

تابستان ۱۴۰۱

قنوت

فصلنامه علمی پژوهشی _ فرهنگی



می خوانید:

● قیام امام حسین علیه السلام در قرآن

● اصول کار فرهنگی

● رسالت خواص

● و ...



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قوت

فصلنامه علمی پژوهشی - فرهنگی
تابستان ۱۴۰۱ - صفر ۱۴۴۴ - شماره ۳



اعضاء هیئت تحریریه

زهره شرفی	عاطفه لویمی
سیده زهره موسوی	سیده فاطمه لفته پور
آمنه بوعداریان	اسما بوعداریان
الهام قیوم	مرضیه حزباوی
جمیله سلیمانی	بتول ساعدی

کوثر دهمی نژاد

مسئول فرهنگی خانم پنام	مسئول پژوهشی خانم حسینی شکوه
ویراستار و صفحه آرا کوثر دهمی نژاد	

مقام معظم رهبری (حفظه الله):

هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه اسلامی
ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس ، به عنوان
یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور
بدارد. قطعاً اسلام ، زنده ی به عاشورا و به حسین بن
علی علیه السلام است.

1391/9/1



فهرست مطالب

5	قیام امام حسین علیه السلام در قرآن
7	چرا باید از خانواده امام حسین علیه السلام الگو بگیریم؟
11	روایت مردانی که یک شبه ره صد ساله رفتند
14	عبرت های عاشورا
16	رسالت خواص
18	اصول کار فرهنگی
21	نصایح رهبر انقلاب به مداحان
22	سلسله فرمایشات و ظایف منتظران ظهور
27	حجاب، واجب فراموش شده
31	نکات پندانه
33	معرفی کتاب هم‌زمان حسین (ع)
37	اخبار حوزه

قیام امام حسین علیه السلام در قرآن

سیده زهرا موسوی

قیام امام حسین از مقاطع مهم تاریخ اسلام است، جریانی که منجر به حادثه عظیم کربلا شد و در روز عاشورای سال 61 هجری، جلوه ای شکوه مند به خود گرفت. تاکنون محققان و نویسندگان و هنرمندان از زوایای گوناگون بدان پرداخته اند و تحلیل و تفسیرهای متفاوت از آن ارائه کرده اند، یکی از تحلیل ها همگامی امام حسین علیه السلام با قرآن در این حرکت الهی اوست.

امام علیه السلام چه در مدینه و چه در بین مکه و مدینه و در راه عزیمت از مکه به کربلا و در کربلا، در مقاطع مختلف، از قرآن سخن به میان می آورد و با ابراز عشق به آن، حاضران و آینده گان را متوجه این امر میکند که با بهره گیری از رهنمود قرآن کریم به مبارزه با مظاهر فساد و ستم برخاسته است. حال برآنیم که آن سوره ها و آیه هایی که در رابطه با قیام امام حسین علیه السلام در قرآن کریم وجود دارد را ذکر کنیم.

سوره آل عمران: از سوره آل عمران آن حضرت هنگامی که فرزندگران قدرش حضرت علی اکبر به سوی جهاد حرکت می کرد این گونه تلاوت فرمود: «ان الله اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین..» «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید، نسلی هستند برخی از برخی دیگر، و خداوند شنوا و داناست.»

سوره نسا: در این سوره آنجا که می فرماید: «وما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله...» «چرا در راه خدا جهاد نمی کنید...؟» و آنجایی که می فرماید: «الا المستضعفین من الرجال والنساء...» «مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکانی که به راستی ناتوان بودند...» که بارزترین مصداق این آیات، آنانی بودند که همراه امام حسین علیه السلام بودند، شما را چه شده است که در راه نجات آنان از محاصره ستم ستمکاران به جهاد برخاستید...؟



سوره توبه: همه آیات جهاد و پیکار در راه خدا، بر جهاد آن حضرت و یاران فداکارش منطبق است از آن جمله آیه معامله با خدا که می فرماید: «ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و عدا علیه حقا فی التوراه و الانجیل و القرآن...» «خداوند جان و مال مردم با ایمان را به بهای بهشت خریداری کرد، آنان در راه خدا پیکار می کنند، دشمنان حق و عدالت را می کشند

وکشته می شوند و این وعده قطعی است بر خدا، وعهدی است که در سه کتاب آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا با وفا تر به عهد خود کیست؟ ای مردم باایمان! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید و این است آن پیروزی بزرگ! «بندگان خدا در بازار این سودا هر کدام به گونه ای عمل کردند، اما امام حسین علیه السلام سودای خاص و معامله ویژه ای داشت و قیمت آن را به سبک ویژه ای پرداخت، همان گونه که انتقال متاع و کیل و وزن و نگهداری و بخشش از آن، اگر نیک بیاندیشیم به سبک خاصی بود.

سوره هود: امام حسین علیه السلام از این سوره مبارکه، آیات خاصی را به هنگامی که رویاروی سپاه ضلالت در میدان پیکار ایستاده بود تلاوت کرد و بر آن سخنانی روشنگرانه و پرشور بیان فرمود و اتمام حجت کرد. در یکی از بیانات حکیمانه و هشداردهنده اش فرمود: «قال انی اشهد الله توکلت علی الله ربی وربکم مامن دابه الا هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم» «خدای را گواه میگیرم و شما نیز گواه باشید که من از آنچه جز خدای یکتا، به شرک می پرستید بیزارم. همگی به مکر و حيله گری برضد من برخیزید و مرا مهلت ندهید. من برای خدای یکتا که پروردگار من و پروردگار شماست، توکل کرده ام. هیچ جنبنده ای نیست مگر آنکه زمام اختیارش را او گرفته است. به راستی که پروردگار من بر راه راست است.»

سوره فجر: والفجر، ولیال عشر، والشفع والوتر، واللیل اذا یسر...
سوگند به سپیده صبح! سوگند به شب های ده گانه! سوگند به جفت وطاق! سوگند به شب چون روی به رفتن نهد، امام حسین علیه السلام به نور هدایتش سپیده صبح است و در مصائب جان گذارش شب های ده گانه، هنگامی که پس از شهادت همه یاران و فرزندان تنها میماند و تر است، و تر موتور و روح آرامش یافته ای که در آخر این سوره مورد خطاب خداست، روح بزرگ امام حسین علیه السلام است که به سوی خدا باز می گردد همان گونه که در روایات آمده است.



چرا باید از خانواده امام حسین علیه السلام الگو بگیریم؟

آمنه بوعداریان

سیره ائمه معصومین در زندگی اجتماعی و همچنین رفتارخانوادگی آنان برای همه شیعیان الگویی است که در سبک زندگی امروزی کاربردهای بسیاری دارد و اگرچه از سیره سیدالشهدا(علیه السلام) بیشتر به حوادث سال‌های آخر زندگی آن حضرت به‌ویژه قیام کربلا و رشادت‌های روز عاشورا توجه داریم اما سیره اخلاق خانوادگی سیدالشهدا نیز بهترین مشق زندگی و الگوی اخلاقی شیعیان است.

آن امام همام بالاترین حد تکریم را نسبت به فرزند و همسر داشت. حتی آنان را مورد عنایت خاص خود قرار داد و آنان نیز علاقه زیادی به حضرتش داشتند. مثلاً بانو رباب علاقه وافری به امام حسین (ع) داشت. او در سفر کربلا همراه امام بود و پس از شهادت آن حضرت نیز وفاداریش را به زبان شعر و نیز در عمل، نشان داد.

دو مرثیه از رباب وجود دارد که هر دو دارای معانی بسیار زیبا بوده و خلوص و ارادت رباب را نسبت به آن حضرت نشان می‌دهد. ترجمه یکی از این مرثیه‌ها چنین است:

«آن پرتوی که دیگران از درخشش آن بهره می‌بردند، در کربلا کشته شده و غیرمدفون رها شده است. ای فرزند پیامبر(ص)، خدا از طرف ما تو را پاداش نیکو داده و در وقت میزان تو را از هر زبانی به دور دارد.

تو آن چنان کوه محکمی بودی که من بدان پناه می‌بردم و تو با رحمت و از سر دین‌داری با ما هم‌نشینی داشتی. دیگر چه کسی برای یتیمان و فقیران مانده؟ و چه کسی است که مسکینان بدو پناه برده و او بی‌نیازشان سازد؟ به خدا قسم! دیگر سایه‌ای بعد از تو بر سرم نخواهم پذیرفت تا در میان خاک، پنهان شوم.»

رباب در بخشی از این اشعارش ارتباط عمیق خود را با امام حسین(ع) تصویر می‌کند؛ امام چون کوهی است که پناهگاه آرام‌بخش رباب بوده و آن حضرت نیز با کمال ملاحظت و از سر دین‌داری با وی برخورد داشته است.

از این روایات و نظایر آن، به‌خوبی استفاده می‌شود که امام حسین (ع) و سائر ائمه اطهار به حس زیبایی دوستی همسر خود احترام می‌گذاشتند و امکانات لازم را در حد متعارف آن زمان، برای آن‌ها فراهم می‌نمودند.

امام حسین (ع) به خواست، علاقه و حس زیبایی دوستی همسرش، توجه خاصی می‌نمود و برخی اوقات به همین خاطر با انتقادات اصحاب و دوستان خود روبه‌رو می‌شد؛ ولی به خواست طبیعی و مشروع همسر خویش احترام می‌گذاشت.

جابر از امام باقر (ع) نقل می‌کند: عده‌ای بر امام حسین (ع) وارد شدند؛ ناگاه فرش‌های گران‌قیمت و پشتی‌های فاخر و زیبا را در منزل آن حضرت مشاهده نمودند. عرض کردند «ای فرزند رسول خدا! ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می‌کنیم که ناخوشایند ماست» یعنی وجود این وسایل در منزل آن حضرت را نمی‌پسندند. حضرت فرمود: از ازدواج، مهریه زنان را پرداخت می‌کنیم و آن‌ها هر چه دوست داشتند، برای خود خریداری می‌کنند. هیچ‌یک از وسایلی که مشاهده نمودید، از آن ما نیست.

در روایت دیگر نقل شده که از امام صادق (ع) سؤال شد: «آیا خرید جواهرات برای زینت بچه‌ها درست است؟» حضرت فرمود علی بن الحسین (ع) برای بچه‌ها و همسرانش زیورآلات از نوع طلا و نقره تهیه می‌کرد و آن‌ها را با آن زیورها می‌آراست.

از این روایات و نظایر آن، به خوبی استفاده می‌شود که امام حسین (ع) و سائر ائمه اطهار به حس زیبایی دوستی همسر خود احترام می‌گذاشتند و امکانات لازم را در حد متعارف آن زمان، برای آن‌ها فراهم می‌نمودند. یکی از خصلت‌های پسندیده، غیرت است. غیرت، به معنای آن است که سرشت و طبیعت انسان از این که غیر خودش در یک امر موردعلاقه‌اش با او مشارکت داشته باشد نفرت داشته باشد.

انسان غیور، نمی‌تواند تحمل کند که دیگران با نگاه‌های ناپاک یا انگیزه‌های فاسد، به همسر و بستگان او نزدیک شوند و قصد سوء داشته باشند.

گاهی هم غیرت دینی سبب می‌شود که انسان از هر نوع سوء قصد و هجوم مخالفان به دین و ارزش‌های مقدس و معتقدات دینی برآشوبد و عکس‌العمل نشان دهد و در دفع تعرض بکوشد.

پیامبر اکرم (ص) فرموده است غیرت از ایمان است. غیرت، نشانه ارزشمندی شخصیت یک انسان محسوب می‌شود.



بنی‌هاشم، غیرتمندان روزگار خویش بودند و برای عترت پیامبر حرمتی فوق‌العاده قائل بودند. جوانان بنی‌هاشم نیز پیوسته اهل‌بیت امام حسین (ع) را در طول سفر به کربلا، محافظت می‌کردند. شب‌ها نیز با حراست این جوانان، به‌ویژه قمر بنی‌هاشم، زنان حرم آسوده و بی‌هراس می‌خفتند.

غیرت در دریای پهناور وجود ابا عبدالله موج می‌زد و به همه آموخت که نگهبانان دین و ناموس خود باشند و بیشترین حساسیت را در دفاع و صیانت از آن‌ها داشته باشند. او تا آخرین نفس از عقیده اسلامی خود دفاع کرد و بر محو باطل پافشاری

نمود. او که سرآمد غیرتمندان عالم است در رجز حماسی خویش در روز عاشورا از جمله بر حمایت از ذریه پیامبر و خانواده پدرش تأکید می‌فرمود.

آن حضرت، روز عاشورا خانواده و دختران و خواهر خود را توصیه کرد که پس از شهادتش، گریبان ندرند و چهره مخراشند و آه و زاری و واویلا سر ندهند و پیش دشمنان صدایشان را به گریه بلند نکنند. در واپسین لحظات هم که مجروح بر زمین افتاده بود، وقتی شنید که گروهی از سپاه دشمن قصد حمله به خیمه‌ها و تعرض به زنان و کودکان دارند، بر سرشان فریاد کشید که «ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از معاد نمی‌ترسید، پس در دنیایتان آزاده باشید و اگر عربید، به اصل و تبار خویش برگردید...»

شمر جلو آمد و گفت «ای پسر فاطمه چه می‌گویی؟» و امام فرمود: «من با شما می‌جنگم و شما با من می‌جنگید، پس تجاوزگران و سرکشان و جاهلان خود را تا وقتی من زنده‌ام، از حرم من بازدارید.»

از غیرت آن امام همام بود که در همان حال هم از کار ناجوانمردانه سپاه دشمن برآشت و اعتراض کرد و تا زنده بود نتوانست تحمل کند که نامردان به حریم ناموس او نزدیک شوند. غیرت دینی او و یارانش نیز زمینه‌ساز آن حماسه بزرگ شد.

آن امام همام، کشته شدن را بر ننگ ذلت و تسلیم، ترجیح داد و این از غیرت و حمیت او بود. یاران شهیدش هم شب عاشورا و در فرصت‌های دیگر تا پای جان ابراز وفاداری کردند و غیرتشان اجازه نداد که امام و اهل بیت او را در صحرا و میان انبوه دشمن رها کنند و خود، در پی زندگی و عافیت خویش روند.

عباس(ع) ، امان‌نامه دشمن را رد کرد، تیغ‌ها و شمشیرهای دشمن را بر خواری و مذلت ترجیح داد اما فرومایگان، برای کشتن او و به خاطر رضای خاطر والی کوفه و یزید طاغوت، همدست شدند و پس از کشتن عاشورائیان، خانواده آنان را به اسارت بردند.

اعتراض حضرت زینب (س) به یزید در شام که اهل بیت پیامبر را در معرض دید و تماشای مردم کوچک و بازار قرار داده بود، ریشه در غیرت او داشت.

امام (ع) در واپسین لحظه‌های زندگی خویش شرایط ناگواری خانواده و فرزندان، غصه یتیمی و از دست دادن نزدیک‌ترین عزیزان از یک‌طرف، طی مسیر کربلا تا شام و از شام به مدینه، همراهی دشمنان سنگدل، از طرف دیگر را مجسم کرد.

در چنین شرایطی آن امام همام شیوه دعوت به صبر و بردباری و توجه دادن به نصرت الهی را برگزید تا با دم حسینی خود روح خسته آنان را توان دوباره بیخشد و عزمشان را برای دست‌یابی به همه اهداف، تقویت نمایند.



در مقاتل آمده است: هنگامی که امام (ع) همه یارانش را دید که شهید شده‌اند، برای وداع به خیمه‌ها آمد و ندا دادند «ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب، ای ام کلثوم، آخرین درود و سلام من بر شما باد»

سکینه گریه کرد، امام حسین (ع) دختر عزیزش را به سینه چسباند و اشک‌هایش را پاک نمود و اشعاری خواند که ترجمه‌اش چنین است: ای سکینه جانم! بدان که بعد از شهادتم، گریه تو بسیار خواهد شد، دل مرا با افسوس، به سرشک خود مسوزان تا جان در بدن دارم، پس وقتی که کشته شدم تو بر هر کس نزدیک‌تر به بدن من هستی که کنارم بیایی و گریه کنی، ای برگزیده بانوان.

همچنین نقل شده است که آن حضرت به فرزندان و خواهران چنین توصیه کردند: «خودتان را برای گرفتاری آماده کنید و بدانید خداوند نگهدار و یاور شما است و شما را از شر دشمنان نجات می‌بخشد و عاقبت امرتان را به خیر خواهد کرد، دشمنانتان را با انواع بلاها عذاب خواهد نمود و به شما، در برابر این گرفتاری، انواع نعمت و کرامت عطا خواهد کرد. پس زبان به شکوه مگشایید و سخنی مگویید که از منزلت و ارزش شما بکاهد.»

روایت مردانی که یک شبه ره صد ساله رفتند

اسما بوعذاریان

راه نجات و سعادت، دینداری در مسیری است که خداوند آن را در آموزه‌های اسلام برای ما ترسیم کرده است، همان مسیری که خداوند ما را به آن دعوت کرده که همان دینداری در پرتو ولایت و امامت اهل بیت (ع) است.

در روایات به این نکته اشاره شده که زمان پایانی غیبت، هجمه‌های شیطان در اوج خود قرار می‌گیرد. فردی را در نظر بگیرید که در تلاطم شدیدی قرار گرفته است و هر لحظه ممکن است به دریا بیفتد و در انتظار کمک و دستاویزی است تا به وسیله آن بتواند خود را به سمت بالا بکشد تا از هلاکت نجات یابد. از مهم‌ترین راهکارهای عبور از سختی‌ها به ویژه فتنه‌های سخت آخرالزمان، در وهله اول اعتماد و توکل بر خداست که آیات متعددی در این باره وجود دارد. آخرالزمان در لسان روایات به چند دوره زمانی اطلاق می‌شود؛ یکی از این دوره‌ها، دوره غیبت است که طی آن، امام مهدی (عج) از نظرها غایبند. در روایات، از مردمی که در این عصر ثبات ایمان و ثبات قدم در مسیر امامت و ولایت ائمه علیهم‌السلام هستند، به نیکی و بزرگی یاد شده است؛ وجود مقدس نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین (ع) فرمود: **يَا عَلِيُّ وَاعْلَمْ أَنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ فِي بَيَاضٍ.**

یا علی آنها که بیش از همه در امور دینی یقین دارند، مردمی در آخرالزمان هستند که پیغمبر را ندیده‌اند و حجت خدا هم از نظر آنها پنهان شده است، با این حال به وسیله سیاهی که در سفیدی است ایمان می‌آورند.

یعنی در دوره‌ای که حجت‌های الهی یک به یک از میان مردم رفته‌اند و تنها یک حجت الهی بر روی زمین باقی مانده است، عده‌ای هستند که به سیاه‌ای بر روی سفیدی ایمان می‌آورند؛ برخی تعبیر کردند این گروه از مردم کسانی‌اند که مسیرشان را بر اساس مطالعه و دقت در آیات و روایات معصومین علیهم‌السلام پیدا کرده‌اند و بر آن پابرجا مانده‌اند. در واقع این عده کسانی‌اند که بدون آنکه پیامبر و حجت خدا را مشاهده کنند، ایمان محکمی دارند. یا می‌توان گفت علتش این است که عقل و اندیشه آنها چنان رشد یافته و به بلوغ رسیده که بدون نیاز به مشاهده حجت خدا و بر اساس شواهد و نشانه‌های متقنی که در حوادث روزگار به آن دست یافته‌اند، به حجت خدا ایمان آوردند.

وگاهی ممکن است در اوج ظلمت و تاریکی اتفاقی بیفتد که عامل خروج و ورود به وادی پرنور دیگری شد همان نقطه عطف زندگی می‌شود.

همان مردی که یک شبه ره صد ساله رفت...

برای بچه‌های دهه ۶۰ و ۷۰ که تنها از جنگ و دفاع مقدس خاطرات و روایات بزرگ‌ترها را شنیده بودند سوریه و ماجرای جنگ و حضور مدافعان حرم در آنجا تکرار تاریخ شد تا خود را در میدان عمل و جهاد بیازمایند. درس‌ها و وقایع همانی بود که از دفاع مقدس شنیده بودند، دفاع مقدس نیز صحنه‌ای کوچک وام گرفته از واقعه کربلا بود، همه این وقایع زنجیروار بخشی از تاریخ را رقم زدند که جبهه حق در مقابل جبهه کفر ایستاد تا جلوی تحریف و نابودی اسلام را بگیرند. در همه این وقایع می‌توان ردپایی از یاران و دشمنان امام حسین (ع) را اینبار در افرادی جدید دید، روح حبیب را در رزمندگان میانسال میدان دفاع مقدس و جبهه مقاومت از برونسی گرفته تا سردار همدانی دید، وهب را در کالبد شهدای اقلیت دوران دفاع مقدس پیدا کرد که برای یاری از دین خدا و مقابله با دشمن به میدان رفتند و حر را در آن‌ها که نور ایمان و یقین بر دل‌هایشان تابید و متحول شدند و به صف خوبان پیوستند. در این میان تعدادی از شهدا در دوره‌های مختلف به لقبی مشهور شدند که «حر»، شهید آزاده دشت کربلا که ابتدا از سپاهیان عبیدالله ابن زیاد بود، اما در لحظات آخر صف یاران اباعبدالله ملحق شد یکی از شخصیت‌های کربلاست که مشابه او را چه در دوران دفاع مقدس و چه در جنگ سوریه و وقایع و جنگ‌های دیگر دیده‌ایم. پیش از این سرگذشت «حر انقلاب» شهید شاهرخ ضرغام است، او که پس از سال‌ها زندگی در گرداب گناه و معصیت با پیروزی انقلاب اسلامی و جانفش در برابر نفس مسیحایی امام قرار گرفت و متحول شد. جنگ او را به جبهه‌های دفاع مقدس کشاند تا آنکه به شهادت رسید.

از دیگر حر های زمانه می‌توان به مدافع حرم «مجید قربان‌خانی» اشاره کرد. به او لقب حر مدافعان حرم را داده بودند. جوانی از محله یافت‌آباد تهران که با اخلاق لوطی‌مسلکش، اهالی محل را جذب مرامش کرده بود. البته شهید مجید قربانی خانی از ۱۴ سالگی با بسیج ارتباط داشت، برخی اوقات چفیه بر دوشش می‌انداخت و در کارهای فرهنگی شرکت می‌کرد.

در دوران جوانی نوسان‌های زیادی را تجربه کرد. با این وجود هم‌زمانش به خاطر شناخت کوتاهی که از او داشتند، مجید را با خالکوبی و سفره‌خانه‌اش می‌شناختند. اما ویژگی شخصیتی او فراتر از این برداشت‌ها بود. در مرام او، حتی کمک به بیماران HIV هم دیده می‌شد. مجید که بسیجی پایگاه مسلم بن عقیل و از اعضای گردان امام علی (ع) بود، در فتنه ۸۸ نقش مهمی در آرام کردن اوضاع شهرش داشت.

ماجرای تحول او و اعزام او با نام شهید مدافع حرم مرتضی کریمی (اینجا) گره خورد. این شهید که فرمانده و دوست مجید بود، یک بار از او خواست به هیأتش برود. همان هیأتی که باعث شد مجید از این رو به آن رو شود. صحبت‌های فرمانده مرتضی از مظلومیت و شجاعت مدافعان حرم باعث شد که مجید هم هوایی شود. هوایی عشق حضرت زینب (س) و دفاع از حرم بی‌بی. مجید آن شب خیلی گریه کرد تا از هوش رفت. وقتی به هوش آمد، این جمله را گفت: من باشم کسی نگاه چپ به حرم بی‌بی زینب (س) بیندازد؟ از فردای آن روز، همه مجید

را طور دیگری دیدند. دیگر ساکت و آرام شده بود. وقتی از سفر کربلا برگشت، مادرش پرسیده بود چه چیزی از امام حسین علیه السلام خواستی؟ مجید گفته بود: از امام حسین علیه السلام خواستم آدمم کنه ...

سه چهار ماه قبل از رفتن به سوریه به کَلّی متحول شد، همیشه در حال دعا و گریه بود، نمازهایش را سر وقت می خواند و حتی نماز صبحش را نیز اول وقت می خواند.

خودش همیشه می گفت نمی دانم چه اتفاقی برایم افتاده که این طور عوض شده ام و دوست دارم همیشه دعا بخوانم و گریه کنم و همیشه در حال عبادت باشم.

روزی سر مزار شهید فرامرزی از دیگر شهدای مدافع حرم محله یافت آباد خوابش را برای عمه اش تعریف کرد: حضرت زهرا (س) را در خواب دیدم. خانم به من گفت: سوریه بیایی یک هفته بعد تو را پیش خودم می برم. بالاخره او راهی شد و سرانجام در کنار دوست و فرمانده اش شهید مرتضی کریمی با هم در یک منطقه و در یک عملیات ۲۱ دی ماه سال ۱۳۹۴ در خانطومان سوریه شهید شدند.

عبرت های عاشورا

سیده فاطمه لفته پور

ضرورت شناخت و عبرت گرفتن از بیماری جامعه اسلامی بعد از زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله)

ما امروز یک جامعه‌ی اسلامی هستیم. باید ببینیم آن جامعه‌ی اسلامی [پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر صلوات‌الله و سلامه علیه]، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟ چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در همان شهری که او حکومت می‌کرد، سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند؟! کوفه یک نقطه‌ی بیگانه از دین نبود! کوفه همان جایی بود که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بازارهای آن راه می‌رفت؛ تازیانه بر دوش می‌انداخت؛ مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد؛ فریاد تلاوت قرآن در «آناء اللیل و اطراف النهار» از آن مسجد و آن تشکیلات بلند بود. این، همان شهر بود که پس از گذشت سالهایی نه چندان طولانی در بازارش دختران و حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با اسارت می‌گرداندند. در ظرف بیست سال چه شد که به آنجا رسیدند؟ اگر بیماری‌ای وجود دارد که می‌تواند جامعه‌ای را که در رأسش کسانی مثل پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین علیهما السلام بوده‌اند، در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند، این بیماری، بیماری خطرناکی است و ما هم باید از آن بترسیم. امام بزرگوار ما، اگر خود را شاگردی از شاگردان پیغمبر اکرم صلوات‌الله و سلامه علیه محسوب می‌کرد، سر فخر به آسمان می‌سود. امام، افتخارش به این بود که بتواند احکام پیغمبر را درک، عمل و تبلیغ کند. امام ما کجا، پیغمبر کجا؟! آن جامعه را پیغمبر ساخته بود و بعد از چند سال به آن وضع دچار شد. این جامعه‌ی ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت، این جاست! ما باید آن بیماری را بشناسیم؛ آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم.

۲۲/۰۴/۱۳۷۱ (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا)

فراموشی خدا و دنیا طلبی دو عامل گمراهی جامعه اسلامی

به نظر من این پیام عاشورا، از درسها و پیامهای دیگر عاشورا برای ما امروز فوری‌تر است. ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمد که حسین بن علی علیه‌السلام، آقازاده‌ی اول دنیای اسلام و پسر خلیفه‌ی مسلمین، پسر علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلاه والسلام، در همان شهری که پدر بزرگوارش بر مسند خلافت می‌نشست، سر بریده‌اش گردانده شد و آب از آب تکان نخورد! از همان شهر آدمهایی به کربلا آمدند، او و اصحاب او را با لب تشنه به شهادت رسانند و حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به اسارت گرفتند!

حرف در این زمینه، زیاد است. من یک آیه از قرآن را در پاسخ به این سؤال مطرح می‌کنم. قرآن جواب ما را داده است. قرآن، آن درد را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فخلف من بعدهم خلف

اضاعوا الصلّاه و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا» دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. دوم «و اتبعوا الشهوات»؛ دنبال شهوت رانی ها رفتن؛ دنبال هوسها رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی. به فکر جمع‌آوری ثروت، جمع‌آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. اینها را اصل دانستن و آرمانها را فراموش کردن. این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمانخواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ این که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.

۲۲/۰۴/۱۳۷۱ (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا)

عبرتهای عاشورا، جامعه اسلامی

ماجرای امام حسین(ع) یک درس یک عبرت

ماجرای امام حسین جدای از یک درس، یک عبرت است. درس آن است که به ما می‌گوید: این بزرگوار، آن‌طور عمل کرد. ما هم باید آن‌گونه عمل کنیم. امام حسین درس بزرگی به همه‌ی بشریت داده که خیلی با عظمت و در جای خود محفوظ است. اما غیر از درس، چیز دیگری وجود دارد و آن عبرت است. عبرت آن است که انسان نگاه کند و ببیند چطور شد حسین بن علی علیه‌السلام - همان کودکی که جلو چشم مردم، آن همه مورد تجلیل پیغمبر بود و پیغمبر درباره‌ی او فرموده بود: «سید شباب اهل الجنة»؛ سرور جوانان بهشت - بعد از گذشت نیم قرن از زمان پیغمبر، با آن وضع فجیع کشته شد؟! چطور شد که این امت، حسین بن علی را جلو چشم کسانی از همان نسلی که دیده بودند که او بر دوش پیغمبر سوار می‌شد و این حرفها را از زبان پیغمبر درباره‌ی او شنیده بودند، با آن وضع فجیع کشتند؟! این، عبرت است. مگر شوخی بود که دختران پیغمبر را مثل دختران سرزمینهای فتح شده‌ی غیر اسلامی، بیاورند جلو چشم مردم کوچه و بازار بگردانند و به کسی مثل زینب سلام‌الله‌علیها اهانت کنند؟! چطور شد که کار به این جا رسید؟ این، همان عبرت است و از درس بالاتر است. این، نگاه به اعماق و ریزه‌کاریهای تاریخ و حوادث است.

۱۵/۱۰/۱۳۷۳ (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران)

رسالت خواص

زهرا شرفی

رسالت حضرت زینب(سلام الله علیها)

یکی از مسائل حیرت انگیز داستان کربلا، همین خطبه غراء و تکان دهنده حضرت زینب کبری علیها السلام است؛ حدیث بن شریک اسدی می گوید: در آن روز به زینب دختر علی علیه السلام نگریستم که خطبه می خواند و هرگز زنی را سخنورتر و زبان آورتر از او ندیدم. گویا (زبان علی علیه السلام در کام اوست و) با زبان امیرمؤمنان علی علیه السلام سخن می گوید. از این رو زنی که دیروز داغ شش برادر و دو فرزند و دهها نفر از بستگان و اصحاب باوفای پدرش را دیده و اکنون به صورت اسیری به سوی شام می رود، باید چنان پریشان و افسرده حال و ناتوان باشد که حتی سخن گفتن عادی خویش را فراموش کند. لیکن خروش رسالت حضرت زینب بر مردم کوفه اینچنین است؛ «ما بعد! ای کوفیان! ای نیرنگ بازان و پیمان شکنان و بی وفایان و مکر پیشه گان! هرگز اشک چشمانتان خشک مباد و ناله هایتان آرام نگیرد.... در میان شما جز لاف زدن، خودپسندی، دشمنی، دروغ، تملق و چاپلوسی کنیزکان، و کینه توزی دشمنان نیست». لذا می بینیم زینب(سلام الله علیها) همچون شیری می غرد و همچون طوفانی سهمگین می خروشد و سیلی از ملامت و سرزنش را به سوی بی وفایان کوفه سرازیر می سازد و خطاب می کند؛ «خشم خدا شما را فرا خواهد گرفت و برای همیشه در عذاب جهنم خواهید ماند... نابود شوید نابود! واژگون باد (پرچم تان) واژگون! تلاشهایتان تباہ، دستهایتان بریده...».

و در ادامه قلوب و عواطف را تسخیر می کند «کشتن فرزند خاتم پیامبران، معدن رسالت و آن کسی که سرور جوانان اهل بهشت است و پناهگاه حریم شما و پناه حزب و گروه شما (شیعیان) و قرارگاه آرامش شما، بهبودی بخش زخم هایتان، پناهگاه شما در گرفتاری ها، رهبر شما به هنگام نبرد، حجت بزرگ برای شما و چراغ روشن راه هایتان (آیا کشتن او را ساده شمردید؟)». هم چنین آن حضرت بذر انقلاب را بر ضد حکومت جائر بنی امیه در سرزمین دلها افشاند و اینچنین گفت؛ «مهلت خداوند شما را مغرور نسازد، چرا که خداوند کاری شتاب زده نمی کند (و به موقع ستمگران را مجازات می کند) و انتقام خون مظلوم هرگز از او فوت نمی شود، به یقین پروردگار در کمین ما و شماست». به عقیده ما حضرت زینب علیها السلام از بازار آشفته کوفه دست گشود و پایه های تخت و تاج حکومت یزید را در شام به لرزه درآورد و مقدمه سرنگونی بنی امیه و انقلاب ها و شورش های بعدی را فراهم کرد.

در ملهوف (لهوف) نام او «بشیر بن خزیم اسدی» ذکر شده است.

عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها ؛ ص 561 تا ص 565

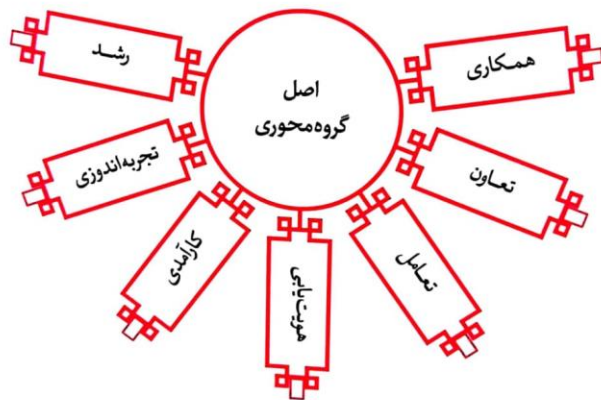
مثال های زیبای قرآن ؛ ج 1 ؛ ص 373.

اصول کار فرهنگی

عاطفه لویمی

اصل سوم: گروه محوری

پس از آنکه درها را باز کردیم و افراد آمدند و به آنها نقش دادیم، باید در اندیشه کنار هم قرار دادیم این نقش های متفرق باشیم. نقش های جدا از هم به درد نمی خورد؛ باید «گروه» بسازیم. اما می دانیم که هر کنار هم قرار گرفتنی، گروه نمی سازد. علمای اجتماعی، گروه را تجمع تعدادی از افراد میدانند که دارای اهداف مشترک و ارزش های مشابه اند و با یکدیگر تعامل منظم و آگاهانه دارند. پس ما با تشکیل گروه، این امکان را فراهم می کنیم که افراد، به دنبال اشتراکات خود بگردند و براساس این اشتراکات، باهم همکاری و تعامل داشته باشند.



نوجوانانی که تازه چشم به جامعه باز کرده اند، در اولین تجربه های اجتماعی خود در گروه قرار میگیرند و می توانند خود را رشد دهند. از همه مهمتر اینکه بچه ها با قرار گرفتن در گروه، احساس «هویت اجتماعی» می کنند. آنها در گروه، خیلی زود به تجربه بالا می رسند. بیراه نیست کسانی که تجربه فعالیت های گروهی در مساجد دارند، بیشتر از سن شناسنامه ای، پخته تر و کارآمدتر نشان می دهند.

تشکیل گروه های مختلف در مراکز فرهنگی مانند مساجد و پایگاههای بسیج، کم هزینه ترین و نزدیک ترین راه برای رشد افراد است.

تشکیل گروه، چه ثمراتی دارد؟

به صورت خلاصه، می توان برای گروه، چنین ثمرات و نتایجی را برشمرد:

1. تقویت قدرت تعامل منظم والگودار بین اعضا

2. شکل دهی به احساسات، تمایلات و عواطف مشترک بین اعضا

3. فهم و ارتقای اهداف مشترک بین اعضا

4. ایجاد روابط نسبتاً پایدار بین افراد
5. ایجاد تشکل سازمان یافته به جای توقف در یک تجمع بی هدف
6. کمک به شکل گیری هویت مشترک بین افراد
7. امکان شناخت افراد از یکدیگر
8. تقویت روحیه تعاون و کار جمعی
9. ایجاد دل بستگی بین اعضا
10. امکان اصلاح نقاط ضعف در سایه تعامل

مثال:

بار دیگر مثال های مربوط به اصل مشارکت پذیری را مرور کنید. آنجا می توانیم مجموعه نقشهای ذکر شده را در قالب «گروه مراسم و مناسبت ها»، «گروه طراحی و گرافیک» و «گروه برگزاری نماز جماعت» سازمان بدهیم. به اینها اضافه کنید گروه های مختلف دیگر را که با توجه به نیاز مجموعه واستعداد افراد شکل می گیرند و هرکدام، باری از روی دوش مسجد و پایگاه برمی دارند. با این گروه ها، هیچگاه شاهد رکود در فعالیت ها نخواهیم بود.

هیچگاه نخواهیم گفت «آدم نداریم». چون گروه ها همیشه با سازوکارهای بسیار ساده و کم هزینه، نیروهایی را در دل خود پرورش می دهند.

ادامه دارد ..

نصایح رهبر انقلاب به مداحان

الهام قیم

رهبرانقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام، با اشاره به برخی ابعاد والای شخصیت حضرت صدیقه کبری از جمله حرکت های اجتماعی و خدمت بی منت به مردم، هیات ها را کانون جهاد عظیم تبیین دانستند و تاکید کردند: هیات ها باید محل روشنگری و پاسخ متقن و صحیح به سوالات روز جامعه بویژه نسل جوان باشد.

رهبرانقلاب، «واعظ» و «مداح» را دو ستون مهم و پایدار هیئت برشمردند و با تاکید بر منحصر به فرد بودن هنر مداحی، گفتند: مداحی با جلا دادن دل مخاطب و بردن او به عمق تاریخ، به او معرفت دینی، اخلاقی و سیاسی میبخشد.

ایشان با تحسین همکاری شاعران آیینی و مداحان برای پر بار کردن مجالس اهل بیت و اعتلای شعر آیینی، گفتند: صدا، آهنگ و هندسه خوانندگی صورت هنر مداحی را تشکیل می دهد اما این صورت که در واقع وسیله و ابزار است نباید بر محتوا غلبه کند و آن هدایت و محبت جهت دهنده به حرکت جامعه در درون آن گم شود.

ایشان با تاکید بر اینکه جذب جوانان باید با حفظ ساختار صحیح هیات باشد، گفتند: باید مراقب شود تا ترکیب مداحی و حقیقت و هویت آن از بین نرود.

رهبرانقلاب اسلامی، مداحان را با استفاده از مطالب و اشعار متقن و معتبر توصیه و خاطر نشان کردند: برخی مواقع یک حرف سست و بیایک بیان نارسا و غلط، دستاویز زیر سوال بردن اسلام و تشیع و حمله به علمای بزرگ و معارف دینی می شود، بنابراین استفاده از مطالب مستند و متقن حتما در برنامه کاری مداحان باشد.

سلسله فرمایشات و ظایف منتظران ظهور

بتول ساعدی

همه هست آرزویم که بینم از تو رویی مَتی تَرانا وَ نَراک...

ششم: آیا می دانستید یکی از نشانه های دوستان و موالیان امام زمان (عج) اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار است ؟

بزرگترین درس حضرت رقیه (س) به همه ما این است که باید مشتاق دیدار امام زمان (عج) خود باشیم.

در مکتب عاشورا حتی خردسالان نیز به عنوان الگو درس آموز و الهام بخش هستند، مکتب عاشورا بهترین کلاس درس آموزی، یار امام زمان (عج) شدن است.

بزرگترین درس حضرت رقیه علیها السلام به همه ما این است که باید مشتاق دیدار امام زمان (عج) خود باشیم. بی تابی حضرت رقیه (علیها السلام) برای سختی ها و مصائب خودش نبود بلکه برای اشتیاق به دیدار روی امام زمان خود بوده است و ما باید این درس بزرگ را از دختر سه ساله امام حسین (علیه السلام) بیاموزیم.

حضرت رقیه (س) مشتاق دیدار امام زمان خود بودند و اگر این اشتیاق در دل ما جای بگیرد تلاش می کنیم تا به این آرزو برسیم و از آنچه باعث دوری از این دیدار شود دوری کرده و ظاهر و باطن خود را برای این دیدار آماده می کنیم.

این اشتیاق باید با تمام وجود خواسته شود و این شوق و اشتیاق انسان را به تلاش بیشتر برای فراهم کردن زمینه این دیدار وادار می کند. اگر اشتیاق در وجود انسان شکل بگیرد او را به سمت خوبی ها سوق می دهد و اگر به مرحله اشک و ندبه برسد به وصل منتهی و به سعادت دنیا و آخرت می رسد.

(حجت السلام حسن زاده کارشناس مهدوی)

هفتم: خوشبختی یعنی ذاکر مناقب و فضائل امام زمان (عج) باشی

ذکر فضائل و مناقب خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام وسیله ای برای جلب رضای خداوند سبحان و بارش برکات فراوان و دفع آفات و بلاهاست.

یکی از وظایفی که در بسیاری از روایات و احادیث به آن تاکید شده ، ذکر فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد که در اینجا به بیان تعدادی از آنها می پردازیم.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: همانا وظیفه جمعی از فرشتگان آسمان این است که نگاه می کنند به یک و دو و سه نفری ، در حالی که آنان درباره فضیلت آل محمد علیهم السلام به گفتگو نشستند ، پس فرشته ای به فرشتگان دیگر می گوید : آیا نمی بینید اینان را با همه کمی تعدادشان و بسیاری دشمنانشان فضائل آل محمد علیهم السلام را بیان می کنند؟!

آنگاه گروه دیگری از فرشتگان می گویند: ((ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم)) این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد و خداوند دارای فضل عظیم است (سوره جمعه آیه 4)

(مکیال المکارم ج 2 ص 208)

امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه به فضیل فرمودند : می نشینید و حدیث می گوید ؟ فضیل عرضه داشت : آری فدایت شوم ! امام صادق علیه السلام فرمودند:

همانا من آن مجالس را دوست می دارم ، پس امر ما را احیا کنید . ای فضیل ! خداوند رحمت کند کسی که امر ما را احیاء نماید . (مکیال المکارم ج 2 ص 212)

از روایات فوق به این نتیجه می رسیم که:

هر گاه به دیدار همدیگر می رویم و در کنار هم قرار می گیریم به جای پرداختن به صحبت‌های بیهوده و احیانا خدای ناکرده گناه و غیبت و تهمت و ... باید به بیان فضائل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و بیان اعتقادات خود بپردازیم ، تا بدین وسیله هم یکی از وظایف خود را عمل کرده ایم و هم شامل رحمت و لطف الهی قرار گیریم.

هشتم: اندوهگین بودن مؤمن از فراق حضرت (عج)

حتما همینطور است که تا به حال در فراق امام زمان و مولای خود ناراحت شدی .

میشه یه سوال کنم؟

می دانستید اندوهگین بودن مؤمن در فراق امام زمان (عج) از نشانه های دوستی و علاقه به حضرت است؟

این اندوه از نشانه های دوستی و علاقه به حضرت است. دلیل اینکه این کار از نشانه های اهل ایمان است، روایات بسیاری است که از امامان رسیده. روایاتی که بیان داشته اند از نشانه های یک فرد شیعه آن است که در اندوه امامان ناراحت باشد و تردیدی نیست غیبت مولایمان و غم هایی که بر ایشان وارد میشود، از بزرگترین علل اندوه امامان است.

امام صادق فرمودند: شخصی اندوهگین به خاطر ما (اهل بیت) که غم و اندوهش برای ظلمی باشد که بر ما وارد شده، نفس کشیدنش، تسبیح گویی است و ناراحتی اش برای ما، عبادت است. [مکیال المکارم؛ اصول کافی ج ۲] در بسیاری از دعاها همچون دعای ندبه، فرج و زیارت آل یس و عهد آمده است و جزو وظایف منتظران حضرت در زمان غیبت است، چنین غمی می تواند در انسان تحول ایجاد کند؛ زیرا کسی که در فراق و دوری حضرت محزون است، همواره به یاد آن حضرت است و خود را برای ظهورش آماده می سازد و فکر و ذکرش در مسیر آن عزیز غایب از نظر است، چنین شخصی نمی تواند در مسیر فساد گام بردارد.

در یکی از فرازهای «دعای عهد» درباره غم فراق و دوری از امام زمان علیه السلام چنین آمده است:

اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ

خداوند! برطرف ساز این غم و گرفتگی را با حضور حضرت و تعجیل فرما از برای ما ظهور آن حضرت را.

نهم : حضور در مجالس فضائل و مناقب آن حضرت

احیا کننده قلوب

امام رضا علیه السلام :

هر که در مجلسی بنشیند که در آن یاد ما (اهل بیت) زنده می شود ، قلبش ، در روزی که قلب ها می میرند ، نمی میرد . (وسائل الشیعه ، ج ۴۴ ، ص ۲۷۸)

انسان وقتی به کسی علاقه مند باشد دلش می خواهد در همه جا و از همه کس سخن نغز و دل پذیر از محبوبش بشنود و هر جا سخن از محبوبش باشد، شرکت کرده و گوش فرا می دهد، لذا بر یک شیعه ی امام عصر لازم است هر جا جلسه ای تشکیل می شود که سخن از فضایل و مناقب آن حضرت گفته می شود، حضور یابد و از فضایل امامش بشنود .

حضور و شرکت در مجالس و محالفی است که در آنها ذکر فضائل و مناقب حضرت مهدی عجل الله فرجه یا اجداد و خاندان بزرگوار او می شود. باید در این مجالس نشست و به این مجالس بها داد و آن ها را پر رونق کرد، که این از علایم محبت و ارادت واقعی به آن حضرت است.

شخص از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت به من فرمودند: «آیا با هم می نشینید [دور از چشم نا اهلان] و با هم سخن می گوئید و آن چه می خواهید بیان می دارید؟ عرض کردم: آری به خدا

سوگند... حضرت فرمودند: به خدا سوگند! هر آینه دوست داشتم، در بعضی از آن جاها با شما بودم و به خدا سوگند! همانا من بوی شما و ارواح شما را دوست دارم و همانا شما بر دین خدا و دین فرشتگان او هستید؛ پس با پرهیزکاری و کوشش و جدیت در دین، خود را یاری کنید.»

دهم: برگزاری مجالس ذکر فضائل و مناقب حضرت

برپانمودن مجالسی که مولایمان صاحب الزمان علیه السلام در آن‌ها یاد شود و مناقب و فضایل آن حضرت در آن‌ها ترویج و منتشر گردد و در آن مجالس، برای آن فرج ایشان دعا شود و با جان و مال در راه تشکیل آن مجالس تلاش کردن، از وظایف دلباختگان و ارادتمندان به آن جناب است.

زیرا که این کار ترویج دین خداوند و برتری دادن کلمه الله و یاری نمودن بر نیکی و تقوا و تعظیم شعائر الهی و نصرت ولی الله است.

بر این مطلب دلالت می‌کند این‌که: در حدیثی که در وسائل و غیر آن، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: یکدیگر را دیدار کنید که در دیدارتان زنده شدن دل هایتان و یادآوری احادیث ما هست و احادیث ما شما را نسبت به یکدیگر مهربان می‌سازند، که اگر آن‌ها را بگیرید، رستگار شده و نجات یافته اید و هرگاه آن‌ها را ترک گوید، گمراه شده و هلاک می‌گردید. پس به آن‌ها عمل کنید که من نجات شما را ضمانت می‌کنم. [وسائل الشیعه، ۱۱: ۵۶۷ باب ۲۳ ح ۳]

نیز بر این مطلب دلالت می‌کند فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث «اربع مائه» این‌که: خداوند – تبارک و تعالی – به سوی زمین نگریست، پس ما را برگزید و برای ما شیعیانی برگزید، که ما را یاری می‌کنند و از خوشحالی ما خوشحال و به خاطر اندوه ما اندوهگین می‌شوند و اموال و جان هایشان را در راه ما نثار می‌نمایند، آنان از ما هستند و به سوی ما باز می‌گردند... [أخصال، ۲: ۶۳۵]

از دلایل شرعی چنین بر می‌آید که مصرف کردن زکات واجب در این امر پسندیده جایز می‌باشد، زیرا که این یکی از مصادیق سبیل الله (راه خدا) است که خدای تعالی در آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ...» [سوره توبه، آیه ۶۰] آن‌ها را بیان فرموده است و تفضیل سخن به فقه موکول می‌گردد.

می‌توان گفت که برپا ساختن این مجالس در بعضی از اوقات واجب است، مثل این‌که مردم در معرض انحراف و گمراهی باشند و برپایی این مجالس، سبب جلوگیری از هلاکت دینی آنان و مایه ارشاد و راهنمایی ایشان به راه

هدایت گردد، از جهت دلایل امر به معروف و نهی از منکر و راهنمایی اشخاص گمراه و عقب زدن اهل بدعت و گمراهی و خداوند تعالی در همه احوال نگهدار حق جوینان است.

(رک: مکیال المکارم ؛ محمد تقی موسوی اصفهانی؛ ج ۲)



ادامه دارد...

حجاب، واجب فراموش شده

کوثر دهیمی نژاد

اثری که انجام واجبات دارد، انجام مستحبات ندارد..

حجاب واجبی است که بر روح و روان تاثیر مستقیمی دارد و بعلت اینکه این واجب در طول واجب قرار دارد اثر و فضایل بسیار زیادی دارد، هر لحظه که خانمی حجاب بر سر دارد و حرکت میکند ۱۰ حسنه برایش نوشته میشود و آن هم بعلت اینکه در طول واجب قرار دارد، سوالی که پیش می آید طول واجب چیست؟ طول واجب یعنی زیاد شدن مدت زمان واجبات است بطور مثال در ماه مبارک رمضان که روزه میگیریم و اعمال و مناسک خاصی را انجام میدهیم چون مدت زمان این واجب طولانی میشود و بمدت ۳۰ روز ادامه دارد حال و هوای معنوی خاصی دارد که در بقیه ی ماه ها دیده نمیشود و به آن طول واجب میگویند، همانطور در جهاد و...

اما چرا در ابتدا از طول واجب سخن گفتیم؟ دشمن اسلام و در راس آنها غرب، ضربه ها را از جای حساس میزند و برای اینکه حجاب و عفاف را از زنان مسلمان سلب کند متوسل به نیرنگهای پست میشود از جمله آزادی و برابری ، که وقتی به اسلام و تعالیم اسلامی رجوع میکنیم میبینیم که آزادی و برابری در این دین برای جنس زن بصورت کامل ارائه میشود ولی این جماعت با تحریف اذهان بی حجایی را آزادی و بی عفتی را برابری نشان میدهند.



براستی آیا واقعا زن موجود درجه اول در غرب است؟

برابری غربی

رهبر انقلاب: اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است.

شعارهایی که در غرب داده میشود، حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد.

در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند. ۳۰/۰۷/۱۳۷۶

زنان را از مقام شرافت پایین کشیدند..

امام خمینی (ره): ظلم‌ها کردند به زن، زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند، زن را از آن مقام معنویت که داشت شیئی کردند. به اسم آزادی، آزادی زنان و آزادی مردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زن‌ها و جوانان ما را فاسد الاخلاق کردند.

شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که گفت، (زن باید فریبا باشد)، البته با آن نظر حیوانی که او داشت، با آن نظر جسمانی، مادی، حیوان پست که او داشت زن را نظر می‌کرد (باید فریبا باشد). صحیفه نور، جلد 6، صفحه 185-186

تعبیر آزادی و برابری از امامین انقلاب بصورت مختصر در بالا، چشم انسان طالب حقیقت را به سوی راه روشن میکند که غرب اگر خواستار چیزی است، بی‌عفتی و حذف حجاب را می‌خواهد و به دنبال ویرانی آرمان‌هایتان هستند.

حجاب و آزادی

یکی از سیئات تمدن مادی، حرکتی است که در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینه خیلی حرف داریم.

گناه بزرگی که تمدن غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتی نه به آسانی قابل بیان کردن است.

حالا اسم‌های گوناگونی هم می‌گذارند - مثل همه‌ی کارهایشان - جنایت میکنند، اسمش را حقوق بشر می‌گذارند! ظلم میکنند، اسمش را طرفداری از ملت‌ها می‌گذارند! حمله‌ی نظامی میکنند، اسمش را دفاع می‌گذارند!

یکی از طبایع تمدن غربی، فریب است؛ دورویی، نفاق، دروغگوئی، تناقض در رفتار و گفتار؛ در قضیه‌ی زن هم عیناً همین جور است. آنها متأسفانه فرهنگ رائج خودشان را در کل دنیا گسترش داده‌اند.

امروز در دنیا کاری کرده‌اند که یکی از مهمترین وظائف زن - اگر نگوئیم مهمترین وظائف - این است که جلوه‌گری کند، زیبایی‌های خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن!

متأسفانه الان در دنیا اینجور شده. در رسمیت‌ترین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بپایند، باید با لباس پوشیده بپایند، اما زنها هرچه برهنه‌تر و عریان‌تر بپایند، اشکالی ندارد! این عادی است؟ این طبیعی است؟

این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟ آنها این کار را کردند. زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه‌ی التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته‌اند: آزادی، اسم نقطه‌ی مقابلش را گذاشته‌اند اسارت!

در حالی که احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزه‌روز هم بیشتر میشکنند؛ اسمهای گوناگون هم رویش میگذارند. اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسئله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد.

وقتی در یک جامعه‌ی خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه نهادینه میشود.

حجاب تنها برای فرد زن نیست بلکه سلامت خانواده را در پی دارد و یکی از برابری‌های اسلام در حجاب را میتوان از آیه‌های مبارک استنباط کرد و آن هم درجایی که خدا به مردان دستور میدهد که مراقب چشم خود باشند و به زنان میگوید: **وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۗ وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۗ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۗ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ ۗ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**

و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند، و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! (سوره نور، آیه 31)

فلسفه حجاب تنها به گناه نیفتادن مردها نیست اگر چنین بود چرا خدا تو را باحجاب کامل برای محراب عبودیت فرا میخواند؟ جنس زن با حیا آفریده شده، حیا در سخن با نامحرم، حیا در خنده های بازار و کوچه و... تو را خدا زیبا و باحیا آفرید و حجاب را پوششی برای این زیبایی گذاشت تا مورد آزار و اذیت قرار نگیری پس مراقب باش که داری از خدا فرمان برداری میکنی و این واجب را به نحو احسن انجام میدهی یا لبیک خود را به شیطان و شیطان صفتان میگویی...

نکات پندانه

جمیله سلیمانی

« إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ »

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

صبر، آنچه را که در درون بندگان خدا از نور و صفا وجود دارد، آشکار می کند و بی صبری و ناشکیبایی، آنچه را که در درون آنها از ظلمت و وحشت است، ظاهر می سازد.

مردی از دست روزگار سخت می نالید. پیش استادی رفت و برای رفع غم و رنج خود راهی خواست. استاد لیوان آب نمکی را به خورد او داد و از مزه اش پرسید؟

آن مرد آب را به بیرون از دهان ریخت و گفت: خیلی شور و غیرقابل تحمل است.

استاد وی را کنار دریا برده و به وی گفت: همان مقدار آب بنوشد و بعد از مزه اش پرسید؟

مرد گفت: خوب است و می توان تحمل کرد.

استاد گفت: شوری آب همان سختی های زندگی است. شوری این دو آب یکی ولی ظرفشان متفاوت بود. سختی و رنج دنیا همیشه ثابت است و این ظرفیت ماست که مزه آن را تعیین می کند پس وقتی در رنج هستی بهترین کار بالا بردن ظرفیت و درک خود از مسائل است.

صبر جمیل حضرت زینب (سلام الله علیها)

لَهَا مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْمَصَائِبِ مَا جَلَّ أَنْ يُعَدَّ فِي الْعَجَائِبِ

پس از حادثه کربلا وقتی زن و فرزندان شهدا را، به همراه حضرت زینب به عنوان اسیر نزد عبیدالله بن زیاد بردند، او که خود را پیروز این نبرد می دید، برای اینکه زخم زبانی به اهل بیت امام حسین - علیه السلام - بزند رو به حضرت زینب - سلام الله علیها - کرد و گفت: خدا را شکر می کنیم که شما را رسوا کرد و تکذیب نمود. حضرت هم در پاسخ، فرمودند «ما رأیت الا جمیلاً»

در تمام این مصائب حضرت زینب(س) بر نفس خود مسلط بود و هرگز بی‌تابی، جزع و فرع نکرد، عنان و اختیار خود را از دست نداد، رفتار ناپسندی از خود نشان نداد که عزت و کرامتش لطمه ببیند؛ بلکه همیشه قوی و قدرتمند در صحنه مصیبت حاضر شد.

حضرت زینب(س) مصائب را مشیت و امتحان الهی می‌دانست و ایمان داشت که آنچه اتفاق می‌افتد، بدون حکمت الهی نیست. خداوند این مصائب را وسیله‌ای برای امتحان و ابتلا قرار داده است تا اولیای الهی به مقام قرب و درجات بالا برسند.

معرفی کتاب هم‌زمان حسین (ع)

مرضیه حزباوی

در کتاب هم‌زمان حسین (ع)، ده گفتار از حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم (علیهم‌السلام) می‌خوانید.

عالمان و اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان، تحقیقات گسترده‌ای را به منظور تحلیل دوران ۲۵۰ ساله‌ی امامت ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام) انجام داده‌اند. برخی بکلی راهی غلط را پیموده‌اند و این بزرگواران را به مرتبه‌ی عالمان و عابدان زمان خود تقلیل داده‌اند و هرگونه تأثیر اجتماعی و سیاسی را از ایشان سلب کرده‌اند.

در مقابل این گروه، اکثر اندیشمندان شیعه بر این باورند که امامان معصوم (علیهم‌السلام) خلیفه‌ی حقیقی و جانشین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در همه‌ی شئون و مقامات ایشان - به جز نبوت و دریافت وحی - هستند. شئونی همچون: تشکیل حکومت اسلامی، قضاوت، تبیین قرآن، تعلیم احکام، دفاع از عقاید اسلامی و ...

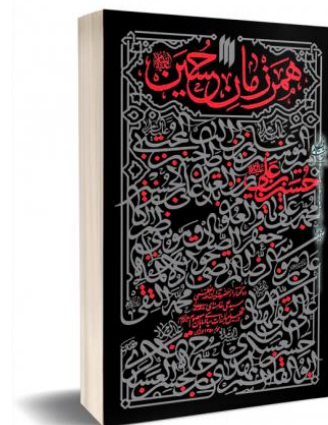
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز این عقیده را باور دارند. ایشان از سال‌های بسیار دور، مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای را در این زمینه، در کتب تاریخی و روایی انجام داده‌اند. ایشان با ابداع واژه‌ی انسان ۲۵۰ ساله در ابتدای دهه‌ی پنجاه شمس و تبیین آن، گونه‌ای جدید از روش تحلیل سیره‌ی سیاسی - اجتماعی معصومان (علیهم‌السلام) را به مخاطبان خود آموختند. ایشان این نگاه به سیره‌ی ائمه (علیهم‌السلام) را با تحقیقات گسترده در متون حدیثی و کتب تاریخی و با استدلال‌های بسیار محکم به دست آورده‌اند و به هیچ‌وجه از روی تأثیرپذیری و انفعال از شرایط محیطی و گفتمانی آن دوران به آن نرسیده‌اند. تفاوت ایشان با دیگر پژوهشگران این موضوع، در آن بود که ایشان با نگاه دوباره به متون و دقت در محتواهای آن، به احیای میراث مبارزاتی امامان معصوم پرداخته‌اند. سؤال اساسی که می‌توانست به این استنباط کمک کند این بود که «اگر ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) اهل مجاهدت و مبارزه‌ی سیاسی حاد با حاکمان جور و علما و شعرای درباری نبوده‌اند، چه دلیلی داشت که با ایشان چنان برخوردهای خشنی شود و در آخر نیز با شهادت از دنیا رخت بر بندند؟»

طرح انسان ۲۵۰ ساله دوران جانشینان بحق پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به انسانی تشبیه می‌کند که در تمام دوران خود، لحظه‌ای از انجام وظایف و تکالیف خود از پا نشسته است و همواره با مجاهدت به پیش رفته است. بر این اساس در هر برهه و زمانی به اقتضای شرایط و امکانات و موانع، تصمیمی را اتخاذ کرده و هیچ‌گاه لباس رزم با دشمنان اسلام را که با زور بر مسند جانشینی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تکیه زده بودند، از تن بیرون نکرده است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به وجهی، امام حسن (علیه‌السلام) به گونه‌ای دیگر و امام حسین

(علیه‌السلام) با شهادت خود این تکلیف را به انجام رسانیده‌اند. طرح انسان ۲۵۰ ساله با استناد به ادله‌ی متقن روایی و تاریخی، باور برخی از نظریه‌پردازان را به چالش میکشد که میپندارند بعد از واقعه‌ی عاشورا، عنصر مبارزه از میان فرزندان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رخت بر بسته است. در این طرح، از امام سجّاد تا امام حسن عسکری (علیهم‌السلام) همه هم‌زمان امام حسین (علیه‌السلام) دانسته می‌شوند و به وضوح معلوم می‌شود که امامان معصوم (علیهم‌السلام) با چه مرارتها و سختیها و با چه مجاهدتی بار امامت را به دوش کشیده‌اند در مواقع مناسب چه ضرباتی را بر دشمن وارد کرده‌اند و در لحظات خطر، چگونه به حملات دشمن، پاسخ مناسب را داده‌اند.

درباره کتاب هم‌زمان حسین (ع)

این کتاب مشتمل بر ۱۰ سخنرانی معظّم‌له در ماه محرم سال ۵۱ است. ایشان بین سالهای ۴۶ تا ۵۵ به طور متناوب در مناسبت‌های مذهبی به تهران مسافرت می‌کردند و در جلسات مختلف سخنرانی می‌کردند در محرم سال ۵۱ به تهران عزیمت می‌کنند و در هیئت انصار الحسین (علیه‌السلام) و برخی از جلسات دیگر به سخنرانی می‌پردازند. هیئت انصار الحسین (علیه‌السلام) از هیئت‌های پرشور و انقلابی تهران بود و بسیاری از مبارزان انقلابی در جلسات این هیئت شرکت می‌کردند و سخنرانان این جلسه نیز از میان روحانیان انقلابی انتخاب می‌شدند. معظّم‌له از ابتدای تأسیس این هیئت بارها در آن سخنرانی کرده بودند. نفس سخنرانی در این جلسه، یک اقدام انقلابی از سوی ایشان تلقی می‌شد.



ایشان از سوّم محرم تا ۱۲ محرم از ساعت هفت و نیم تا نه صبح در این هیئت بیانات خود را در موضوع سیره‌ی امامان معصوم (علیهم‌السلام) در قالب طرح انسان ۲۵۰ ساله مطرح می‌کنند. تمرکز اصلی این بیانات بر تحلیل زندگی امام سجّاد (علیه‌السلام) تا امام کاظم (علیه‌السلام) است. چهار امام عزیزی که در اذهان متشرعان آن زمان بیشتر به عنوان افرادی ساکت و منزوی معروف بوده‌اند.

جلسه‌ی اوّل این بیانات به مباحث کلی مربوط به بحث امامت و گونه‌های مختلف تحقیق در این بحث و هم فهرست مباحثی که در روزهای بعد مطرح خواهند کرد اختصاص یافته است.

در جلسه‌ی دوّم درباره‌ی اهمّیت شناخت امامان و توطئه‌های دشمنان برای تحریف چهره‌ی مبارزاتی و مجاهدانه‌ی این بزرگواران بحث شده است. جلسه‌ی سوّم مربوط به مقامات و وظایف امامان است و در جلسه‌ی چهارم طرح انسان دویست و پنجاه‌ساله تشریح می‌شود و معانی مختلف جهاد و منظور از مجاهد بودن ائمه (علیهم‌السلام) روشن می‌گردد.

جلسه‌ی پنجم این بیانات به تقسیم دوران امامت به چهار دوره و توضیح مختصر هر کدام از دوره‌ها سپری شده است. معظّم‌له در جلسه‌ی ششم با اشاره به کار نشدن بر روی دوره‌ی چهارم امامت که از زمان امام سجّاد (علیه‌السلام) تا امام عسکری (علیه‌السلام) است، بحث از این دوره را آغاز کرده‌اند. در این جلسه به شرح تحلیلی تلاش‌های مجدّانه‌ی امام سجّاد و امام باقر (علیهما‌السلام) پرداخته‌اند.

جلسه‌ی هفتم که مصادف با روز نهم محرّم است، شامل توضیح سیره‌ی سیاسی و اجتماعی امام صادق (علیه‌السلام) و بررسی روایات تاریخی مربوط به ایشان است. در این جلسه بحث مختصری از حیات سیاسی امام کاظم (علیه‌السلام) و همچنین موضع‌گیری‌های ائمه (علیهم‌السلام) نسبت به قیام‌های امامزادگان انقلابی و نیز تعریف صحیح تقیّه شده است.

روز عاشورا، جلسه به روز هشتم خود رسیده است. آیت‌الله خامنه‌ای در این جلسه به برخوردهای تند ائمه‌ی دوره‌ی چهارم با خلفا و علمای درباری و همچنین بحث بهره‌گیری ایشان از شعرای مجاهد پرداخته‌اند. روز نهم جلسه اختصاص به بحث امامزادگان انقلابی دارد. البته این جلسه بیشتر به شرح موضع‌گیری امام صادق (علیه‌السلام) درباره‌ی قیام زید اختصاص یافته است. شایان ذکر است که نام چندین نفر از امامزادگان در چندین جلسه از جلسات این سخنرانیها آمده و شرح کوتاهی درباره‌ی آنها داده شده است. روز دوازدهم محرّم که با روز دهم این سلسله‌جلسات مصادف شده است به توضیح مختصری درباره‌ی تقیّه اختصاص یافته است و نکات نو و ارزنده‌ای در این موضوع به مخاطبان عرضه شده است.

این بیانات -همان‌طور که خود ایشان هم در برخی از جلسات اشاره کرده‌اند- بیش از آنکه یک سخنرانی باشد، یک بحث تحلیلی و علمی است. ایشان به ذکر کلیّ نظرات خود اکتفا نکرده‌اند و برای هر موضوعی که مطرح میکنند، شواهد متعدّد تاریخی و روایی را پیش روی مخاطب می‌گذارند.

خواندن کتاب هم‌زمان حسین (ع) را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم؟

این کتاب آغازی است برای آشنایی صحیح با سیره‌ی درس‌آموز اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و دانشمندان و دانشجویان تاریخ اسلام با بهره‌گیری از نکات و سرخط‌های ارائه‌شده‌ی در این کتاب، می‌توانند دین خود را نسبت به این بزرگواران و جامعه‌ی اسلامی ادا کنند.

کوثردهیمی نژاد

گزارش نشست علمی پژوهشی ۳ خرداد ۱۴۰۱



به نقل از گزارشگر حوزه موضوع نشست تحت عنوان عوامل مؤثر در کاهش جمعیت و سبک زندگی مدرنیته تشکیل شد، که در این نشست سبک زندگی درست مورد بحث قرار گرفت و پس از تعریف کاهش جمعیت، راه های مقابله با کاهش جمعیت بیان شد.

گزارش نقش رهبری و حکومت در اندیشه شهید بهشتی (نظریه امت و امامت)

در ابتدا استاد در مورد شهید بهشتی و فعالیت های ایشان صحبت کردند که فرمودند: مجموع آثار منتشر شده و نیز تاریخچه زندگانی شهید بهشتی نشان می دهد که او اندیشمندی اهل عمل و عمل گرایی اهل نظر بود. اشتغال گسترده در مراحل پیروزی انقلاب اسلامی، تاسیس حزب جمهوری اسلامی، تدوین قانون اساسی، فرصت تدوین و ارائه منسجم اندیشه فقهی _ سیاسی از جمله کارهای این اندیشمند و متفکر بود.

سپس در مورد رهبری و حکومت نظریه امت و امامت را مطرح کردند، ایشان در باب تبیین مردم سالار از امامت و رهبری در دوره ی غیبت که به آن نظام امت و امامت می گفتند، نبوت و خاتمیت را ارائه دادند که مطرح کننده ی دو نقش اساسی پیامبری از جمله وحی رسانی و الگو بودن نبی برای سایرین است را شامل می شد.

بین اجتهاد و رهبریت یک ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و شروط قرار داده شده برای رهبر به این جهت است که مسئولیتی که بر عهده ی امام است بر عهده ی رهبر هم هست، وقتی امام معصوم در دسترس نباشد باید مالک اشتری باشد که عدالت و فقاقت را داشته که به آن رجوع کرد.

در ادامه استاد گفتند که جامعه دو نوع است یا لیبرالی و یا مکتبی. که جامعه ی اسلامی در اندیشه بهشتی جامعه مکتبی است. و هر جامعه مکتبی نیازمند رهبری متناسب با ماهیت آن مکتب است.

گزارش سالروز ازدواج حضرت فاطمه (س) و امام علی (ع)

به نقل از گزارشگر حوزه موضوع بحث معیارهای ایده آل برای انتخاب همسری مناسب بود که استاد در ادامه با تبیین زندگانی حضرت فاطمه سلام الله علیها و امام علی علیه السلام صورت گرفت.



گزارش ولادت حضرت معصومه (س) و روز دختر

مراسم باشکوه روز دختر در حوزه علمیه فاطمه الزهرا سلام اله علیها برای تمامی دختران غرب اهواز برگزار شد که در این مراسم محوریت کلام سخنران بر عفت و حجاب بود و در ادامه هدایایی برای دختران حاضر تقدیم شد.



گزارش جشن عید غدیر

در باب غصب خلافت استاد زمان بین اعلام ولایت که به نص قرآن واز جانب پروردگار بود و تحویل آن اشاره کردند وگفتند در ۱۸ ذی الحجه سال ۱۱ هجری اعلام ولایت و خلافت و امامت امیرالمومنین علیه السلام توسط پیامبر از جانب خدا بود اما اتفاقی که افتاد ۲۵ سال بعد ودقیقا در ۱۸ ذی الحجه سال ۳۶ هجری این خلافت تحویل امام داده شد که این دو ونیم دهه این ولایت الهی توسط خلفا غصب شده بود.

استاد در ادامه به اتفاقاتی که زمان خلافت امام بود مختصر اشاره ای کردند وگفتند وقتی که امام ولایت را تحویل گرفت به مدت ۱۰۰ سال یعنی یک قرن منع حدیث بود ، در قرن دوم تازه شروع به تدوین و کتابت واقعه ی غدیر شد یعنی تا زمان عمر بن عبدالعزیز کسی اجازه ی نوشتن نداشت.

گزارش سخنرانی مراسم عزاداری سیدالشهداء(علیه السلام)

قیام امام حسین علیه السلام طوری نبود که راه برگشتی در آن برای کسی نیست ونمونه ی بارز حرف امام در شب عاشورا که من بیعتم را از شما میگیریم وشما در این شیاهی شب بروید .

اما این قیامی که برپا شد جرقه ها وعواملی دارد که باعث صد انفجاری حاصل گردد که در ادامه این عوامل را استاد بیان کردند.

مهمترین عوامل موثر در قیام سه مورد بودند:

عامل اول: بیعت برای خلافت یزید که ماهیت امام در آن ماهیتی دفاعی بود ، امام را والی کوفه دعوت کرد وحضرت باخود عده ای از جوانان بنی هاشم را بردند که در طی آن ماجرا وقتی که امام با بیعت مخالفت کردند قتل آن حضرت در نیت آنان بود که امام صدای خود را بالا بردند وجوانان بنی هاشم وارد شدند که والی مدینه وفرستاده ی یزید مجبور به سکوت شدند.

عامل دوم: دعوت مردم کوفه که ماهیتی تعاونی دارد از این نظر که کوفه یک شهر نظامی بوده ومردم از حکومت بنی امیه به ستوه آمده بودند ویزید به فسق وکفر وشراب خواری ومیمون بازی تظاهر به علن میکرد وهیچ گونه از سیاستهای معاویه رانداشت.

عامل سوم : امر به معروف ونهی از منکر که ماهیتی انقلابی دارد وبه صراحت میتوان گفت که اساسی ترین نقطه ی قیام است که امام می فرماید: «إني لم أخرج أشراً، ولا بطراً ولا مفسداً، ولا ظالماً، وإنما خرجت لطلب

الاصلاح في أمه جدی، أريد أن أمر بالمعروف وأنها عن المنكر فمن قبلني بقبول الحق فالله أولى بالحق، ومن رد على هذا أصبر حتى يقضى الله بيني وبين القوم بالحق، وهو خير الحاكمين».

گزارش مراسم حضرت رقيه (سلام الله عليها) .

نگاه ها چه در زندگی و چه در كربلا متفاوت است ، بحث اختلاف نگاه و حق اینکه نگاه خود را با نگاه اهل بیت عليهم السلام و علی الخصوص امام زمان عجل الله فرجه تطبیق دهیم در آیه ۰۴ سوره انعام (قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ) گویای آن است که از جانب پروردگارتان برایتان بصیرت آمده است هرکس بصیرت دارد برای خود است و کسی که فقط ظاهر امور را میگیرد ضرر بر خود میکند، بصیرت یک بینه و دلایلی است که آدم به حقیقت هرچیزی نفوذ پیدا کند و آن را همانطور که باشد ببیند.

استاد در ادامه گفتند: برای کسی که نگاه دینی دارد زندگی همیشه مثبت است برای مثال در زندگانی اهل بیت عليهم السلام که سیر کنیم میبینیم اهل بیت عليهم السلام نسبت به دنیا نگاه بدهکارانه داشتند.

در جریان آنی که بعد از مرگ معاویه والی یزید در مدینه از سه نفر (امام حسین علیه السلام و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر) خواستار بیعت شد هر سه بیعت نکردند ولی برای بیعت نکردن انگیزه ها فرق میکرد و یکی نبود که این انگیزه ها سپس در زندگی نمایان شد.

در جریان آنی که بن زبیر به امام حسین علیه السلام میگوید که اگر قصد قیام دارید من با شما هستم و امام در پی آن میگویند که قوطی در مکه کشته میشود و من نمیخواهم آن قوطی باشد که حرمت خانه خدا با آن شکسته شود و برایم آسانتر است که در عراق کشته شوم .

امام علیه السلام برای حفظ حرمت خانه خدا از مکه خارج شد اما در جریان میبینیم وقتی لشکر یزید خانه خدا را با منجنیق به آتش کشید خود بن زبیر حتی به مردم اجازه نداد تا خانه خدا را خاموش کنند و خواستار تحریک احساس مردم بود و اجازه داد که خانه خدا شکسته شود ، انگیزه ها عامل اساسی در عاقبت انسان را دارد.